



خلاقیت

(بخش چهارم)

محمد رضا حاتمی ورنوسفاد رانی

پیش درآمد :
در دومقاله قبلی "معرفی خلاقیت" و "ضرورت خلاقیت" به
اجمال و تفصیل در مورد خلاقیت و موضوعات مربوطه آن
صحبت شد. اکنون در این مقاله از دیدگاه متفاوتی به خلاقیت
نگاه کرده می شود. نه آنقدر که از پیشینیان جدا شویم و نه
آنقدر که خدای نکرده به پرت و پلا گویی دچار - از "او"
توفیق ادب می جویم تا بر این مسیر باریک بدرستی امانت را
به امانت دارش بسپارم.

درآمد :
در اینجا برای هدایت سریع و کاربردی بحث و عدم پرداختن
به موضوعاتی که تنها یاد آوری آنها مهم است و یا لزومی برای
آنها احساس می شود تا در حد مختصری تشریح شود و یا
در حد اشاره به آن پرداخته شود، بحث را با تکنیک سوال و
جواب دنبال نمایم. تا خود خلاقیتی باشد برای بیان خلاقیت.
همه هدف من نوشتن پیاله ای است از جام خلاقیت به تو. تا
به تشنگی و شیدایی ات بیفزاییم و آنرا به جایی برسانم تا خود
از پویندگی به جاده ی جویندگی وارد شوی. که گر چنین
شود، اینکار عین صواب است و عین کمال.
در اینجا لازم است تا دو سوالی که در مقاله قبلی "ضرورت

خلاقیت" مطرح کردم را جهت پیوستگی بحث، مجدداً ارائه
نمایم تا یکپارچگی موضوع حفظ شود.
معرفی خلاقیت :
زمانی که یک کیفیت عرضه می شود بنا بر قول علمای حقوق
باید تعریف جامعی از آن ارائه گردد. تعریفی جامع و کامل و
منطبق بر دانش و علم روز.
(۱) خلاقیت چیست ؟
برای خلاقیت تعاریف بسیار زیادی صورت پذیرفته است.
فصل مشترک این تعاریف، بشرح زیر است: خلاقیت نیروهای
ذهنی است که همه نوع بشر در صورت سلامتی عقل و روان
از آن برخوردارند و با توجه به اثر نوع و کیفیت محیطی (مانند
تربیت خانواده و آموزش و پرورش) فردی با خلاقیت بیشتر - و
فردی با خلاقیت کمتر است.
نگاهی به این تعریف و شاخصهای آن نشاندهنده این است
که خلاقیت یک ویژگی ذهنی است و تحت تأثیر محیطی
محرك و غنی رشد سریع تر و صحیح تری خواهد داشت. از
طرف دیگر خلاقیت مربوط به همه ابناء بشر اند پس سرخ،
سیاه ، سفید و زرد همه دارای این نیرو می باشند و الزاماً در
خانه جسمی که سلامتی عقل و روان در آن نیست، خلاقیت



از خوانندگان طراز اول موسیقی ایرانی است که من همیشه برایش آرزوی سلامتی و توفیق می کنم تا هر باری که شیوه های جدید آوازی را تغییر می دهد و اثر جدیدی از خود ارائه می دهد، من و دیگر هوادارانش را مثل همیشه مسرور نماید.

۴) روش خلاق چه تمایزی با دیگر روشها دارد؟

خلاقیت روشی متنوع است و ذهن خلاق برای هر مشکل هر چند تکراری، راه حلی نو ارائه می دهد.

فرد خلاق بدنبال این نیست تا روش دیگران را تکرار کند. او می داند که تقلید دشمن خلاقیت است و لو اینکه این تقلید از خودش باشد که صد برابر بدتر. فرد خلاق در هر حال شاکر است و راضی، ولی او قانع نیست. زمانیکه خلاقیت یک فرد خلاق به اوج خودش می رسد، در درون این اوج، بادهای تغییر را برای شکوفایی بیشتر می دمد. خود می سازد و باز در درون خود می ریزد. او می چیند و باز واچین می کند. چون از یک طرف در هر چیدنی نمی تواند تمامی مهره هایش را استفاده کرده و از طرف دیگر بدنبال بهتر شدن و بهتر کردن کار خویش است. پس چون دائماً دو شرط لازم و کافی تغییر و خلاقیت را در درون خود دارد و دائماً در حال بارور کردن دائمی این دو شرط است، یک انسان بی قراری است که تنها به تغییر، به تغییر و به تغییر می اندیشد. او استاد تغییر است، و نه قربانی آن.

۵) بغیر از نیازهای فیزیکی، مهمترین نیاز ما چیست؟

امروزه می توان بدون اطلاعات زندگی کرد، اما برای مدت کوتاهی. ما ناچاریم برای زنده ماندن در جامعه حضور یابیم و با این اعلام وجود، ناگزیر از انتقال و دریافت اطلاعات هستیم.

"مازلو" در یک جدولی نیازهای انسان را طبقه بندی کرد. وی نیازهای فیزیکی را در پایین ترین طبقه و نیازهای خودیابی و شکوفایی را در بالاترین طبقه قرار داد. اما با گذشت زمان اکنون به نیازهای انسان، نیاز جدیدی به نام نیاز اطلاعاتی افزوده شده است. فرض کن تو کارگزار بورس باشی و یا فروشنده طلا. چگونه می توانی بدون اطلاعات از بازار دست به تجارت بزنی. تنها کاری که بدون اطلاعات انجام می دهی اینکه هیچ کاری نمی کنی. اما تا کی می توانی به این امر

هم وجود ندارد. از طرف دیگر خلاقیت روشی نو است برای دستیابی به حل مسئله، به عبارت دیگر انسان بستری ایجاد می نماید که در آن بستر راهی بدست می آورد که از درون آن یک یا چند راه حل مسئله، مشخص و حاصل می گردد.

۲) چرا ما به خلاقیت احتیاج داریم؟

ما در مسیر زندگی و هر لحظه در مسیر یک مشکل قرار داریم و بسته به نوع و اهمیت این مسئله، انرژی و زمان متفاوتی برای ارائه راه حل مناسب برای آن صرف می نماییم.

پس در وهله اول برای هر مشکل و یا مسئله ای که برایت اتفاق می افتد، هزینه ای باید پردازی و اولین هزینه ای که در لحظه اول برای آن باید خرج نمایی، فکر و نیروی ذهن توست.

۳) روش خلاق چه روشی است؟

روش است که تکراری نیست بنابراین قابل انتقال از فردی به فرد دیگر و یا از شرایطی به محیطی دیگر نیست.

مرحوم دکتر حسین عمومی «استاد موسیقی» در کلاس آموزش آواز موسیقی ایرانی به شاگردی که مثل استاد شجریان می خواند و از ایشان تقلید می کرد، گفت: "به کجا چنین شتابان؟! اگر خیلی خوب خوب بخوانی و در اینکار متبحر شوی، آنگاه نسخه دوم استاد شجریان می شوی پس خودت چی؟ وی یک مرتبی بود که می دانست در چه زمانی پیام واقعی اش را به شاگردش بدهد، تا آن پیام برایش گنج بیاورد و نه رنج. وی در جلسات بعد تلاش کرد تا سبک آوازی مخصوص به خود ارائه دهد تا خودش باشد. چه، اگر گوش شنوایی باشد یک اشاره برای درک کافی است! وی اکنون یکی





همسایه. همسران وارد می شود و تمام حدسیات شما درست در می آید. در اینجا مغز شما یک رفتار طبیعی از خود ارائه می دهد و آن سینرژی اطلاعات است. سینرژی بعد بزرگتری نیز دارد و آن اینکه اگر تو یک ریال پول در جیبیت باشد و من هم یک ریال، زمانیکه از هم جدا می شویم هر کدام یک ریال داریم. ولی اگر تو یک واحد اطلاعات داشته باشی و من هم یک واحد اطلاعات داشته باشم، حداقل تعداد اطلاعات رد و بدل شده بین ما، دو اطلاع می باشد و وقتی ما از هم جدا می شویم، اکنون هر کدام دو واحد اطلاعات داریم که متعلق به خودمان است.

در پروسه اطلاعات ما یک اطلاعات خام (Data) داریم. اطلاعاتی که از در و دیوار هستی بر روی پنج حس ما فرو میریزد و ما توسط سیستم عصبی آنها را به مغزمان می دهیم. مغز بر روی این اطلاعات پردازش انجام می دهد و چون توانایی توجه به همه آنها را ندارد. به الویت بندی (Information) آنها می پردازد. برداری از مهمترین تا بهترین اطلاعات درست می کند. رفتار غریزی و طبیعی مغز توجه به الویت های شماره یک و پاسخ به آن می باشد. به نمودار زیر توجه کنید.

قدرت فکر و خرج ذهنی Data Information اطلاعات طبقه بندی شده اطلاعات خام ما در اینجا الویت ها را داریم ما در اینجا انفجار اطلاعاتی داریم

ما در عصری زندگی می کنیم که یکی از عناوین آن عصر انفجار اطلاعات است. کافی است وارد دنیای مجازی اینترنت شوید و با موتور جستجوی Google یک کلمه را جستجو کنید. آن وقت در وسط اقیانوسی به عمق بی نهایت گرفتار می شوید. این تازه اطلاعات سینرژیک نشده است. حال اگر این اطلاعات بهم در آمیزد و سینرژیک شود، آن وقت با انفجار اطلاعات سرو کار داری.

(۷) چرا به اطلاعات زیاد احتیاج داریم؟ بشر برای ارائه و بقای زندگی با کیفیت بالا، به ناچار نیاز به اطلاعات هر چه بیشتر است. زیرا زندگی یک ضرورت است نه یک انتخاب که در غیر این صورت در برابر دنیای پیچیده و پر از دگرگونی کنونی جز شکست و یا فرار راهی نخواهیم



مبادرت کنی؟ پس برای زنده ماندن باید وارد اجتماع شوی و خودت نیز یک کانال ورود و خروج اطلاعات شوی.

(۶) سینرژی اطلاعات چیست؟ اطلاعات دارای سینرژی است.

سینرژی یعنی چه؟ استاد ریاضی داشتم که خداوند قرین رحمتش بدارد. دو انگشت اشاره دست چپ و راستش را از دورترین نقطه بدنش حرکت می داد و آنها را به کنار هم می چسباند و می گفت: «دو یک یازده گردد از اتفاق». شاید در نوجوانی قدرت تأثیر این تمثیل سمبلیک را به اکمال نمی فهمیدم، ولی برای همیشه این موضوع در ذهنم مانده بود. تا اینکه با مفاهیم عمیق تر ریاضی و آمار و اطلاعات و فرآیندهای تصادفی آشنا شدم و به مفهوم سینرژی پی بردم. برای تعریف سینرژی یک مثال بسیار معمولی و ساده می زدم. اگر شما ۱۰ واحد اطلاعاتی داشته باشید با قدرت تحلیل و تفکر می توانید از داخل آنها اطلاعاتی استنباط کنید و اطلاعات جدیدی بیافرینید. افزایش این اطلاعات بستگی به قدرت فکر شما دارد. مثال می زدم وارد خانه شده اید. همسر شما در خانه نیست. کنجکاو می شوید بدانید او به کجا رفته است. وارد آشپزخانه می شوید، می بینید ظرف غذا بر روی اجاق گاز است و شعله گاز روشن است. حدس اول را می زنید: می گویند او همین نزدیکی هاست. ناگهان متوجه می شوید زنبیل خرید نیست. حدس دوم را می زنید او برای خرید به بیرون از خانه رفته است. بر روی میز آشپزخانه ظرف نمکدان را می بینید که خالی است. حدس سوم را می زنید او برای خرید نمک به مغازه سوپر محله رفته است، نه دم منزل



داشت.

۹) بهترین عامل برای مقابله با این خستگی های ذهنی

چیست؟

بهترین عامل برای مقابله با این خستگی های ذهنی ، بیدار ساختن «خلاقیت» است.

سمبل خلاقیت وجود تو نهنگ است . نهنگی که تمام آب دریای اطلاعات را در یک کام جویی می بلعد و هر بار تشنه تر و تشنه تر می شود. ناگهان در جزیره ای امن یونس اطلاعات و راه حل کاری که باید بکنی را به تو صحیح و سالم تحویل می دهد. آن جاست که می فهمی چه باید بکنی. دقیقاً همان کار را بدون فوت وقت انجام بده. اگر چه...؟؟!!

۱۰) نوع کلیشه ای بیدار ساختن «خلاقیت» در وجود انسان چیست؟

متذکر می شوم خلاقیت در ذهن است و باید آنرا پرورش داد. نوع تربیت خانواده، آموزش و پرورش و محیط اطراف بصورت کلیشه ای می تواند این نیروی خفته را بیدار نماید.

بنده را نام خویشتن نبرند

هر چه را ما لقب دهند آنیم "سعدی"

چه زیباست نشانه ها و تمثیل های هویت ایرانی ما، که تمامی آنها برای بیدار ساختن و شکوفایی گول خفته درون ما بکار می روند. یکی از شاخص ترین این مثلها "فلانی سر سفره پدرش بوده" و یا "فلانی چشم و دلش سیره". شاخصهای بینشی و نگرشی موجود در این مثلها از قبیل: جستجوی درون- و عرضه هنر خویش برای کسب معاش- و بی نظر بودن به مال و ناموس دیگران، زمینه های قوی تربیتی را برای پرورش یک انسان خلاق ارائه می دهد. انسانی که ریشه های جانش را به زیور نوآوری و خلق متصف و متصل نموده است، بطور طبیعی بوی گلابش همه جا خواهد پیچید. که در اینجا اشاره ای برای عارفی بزرگ کافی است.

مکن در آن چمنم سرزنش به خودروئی

چنان که پرورشم می دهند، می رویم «حافظ»

۱۱) چگونه در برخورد با مسائل به آرامش ذهنی برسیم؟ نه

پیشانی ذهنی و نه خستگی ذهنی؟

شناختن و آموزش روش های دارا بودن یک ذهن خلاق تنها

شاید به تازگی برای خرید یک دوربین دیجیتالی عکاسی سرکی به فروشگاه ها زده ای. آنقدر تنوع در کیفیت و کمیت و مارک و برند وجود دارد که ناچاری به حسن آقای همسایه مراجعه کنی تا مسئله ای که خود در چند ماه پیش در گل آن مانده بود و ناچاراً آنرا با انداختن یک تاس حل کرده بود، برای قاطعانه و کارشناسانه حل نماید. اگر خواهی دست به چنین کار ساده ای بزنی باید چکار کنی؟ من راهی جز سوزاندن فسفر که خوراک مغزت است، چیز دیگری نمی دانم. از طرف دیگر سرعت تحولات در بازار تکنولوژی آنقدر بالا رفته است که در چند سال آینده، فاصله زمانی را که از فروشگاه تا خانه طی می کنی تا تلویزیون نو خریداری شده ات را نصب و آنرا روشن کنی و لذت دیدن جدیدترین مدل تلویزیون را ببری که در همین فاصله مطلع می شوی این تکنولوژی قدیمی شده و تکنولوژی جدیدی سر کار آمده است. دیگر این مشکل را حسن آقا و حسین آقای همسایه و دوست و آشنا و حتی یک کارشناس زبده نمی تواند برای حل کند، آن موقع چکار می کنی؟

۸) خستگی ذهنی چیست؟

انبوه اطلاعات و انفجار اطلاعات قوی ترین مغزها را از پردازش باز می دارد بنابراین خستگی ذهنی ایجاد می شود. یعنی ناتوانی ذهن که در برابر دریافت، ثبت و یادآوری محرک های محیط قادر به پاسخگوئی نیست.

نه می توانی با آن همه اطلاعات تصمیم بگیری و نه می توانی از خیر این همه اطلاع بگذری. از طرف دیگر اطلاعات از یک جامعه آماری که خود تصادفی است، ناشی می شود. همان زمانی که می خواهی تصمیم بگیری و اعلان تصمیم کنی . ناگهان اطلاعاتی به دستت می رسد که دقیقاً بر خلاف نظری است که می خواستی اعلان کنی. آنگاه چه می کنی؟ چاره کار را طبیعت فطری نهفته در مغزت و در ذهنت انجام می دهد. کامپیوتر مغزت از کار می افتد و به زبان کامپیوتری و رایانه ای هنگ!!!؟؟ می کند. چون از دریافت این همه اطلاعات و ثبت و یادداشت کردن آنها و بخاطر آوردن در لحظه ای که احتیاج داری، عاجزی.



کره خورشید را بررسی کنی آیا با چشم غیر مسلح می توانی؟
و آیا با هر وسیله ای می توانی این کار را بکنی؟ گاهی مواقع
ساختن ابزار کار، در خود حل مسئله را در پی دارد. اگر انفجار
اطلاعات را تشبیه به انفجار خورشید بدانیم و ذهنت را به
چشمه‌های تشبیه کنیم. پر واضح است که حتی چند لحظه
نمی توانی در مقابل این همه عظمت دوام بیاوری. فن آوری
همان تلسکوپ یا وسیله ای است که می توانی با آن سالها
در انفجار اطلاعات بسر برده و لذت وافر ببری و به حوزه
مسئولیت خود که ایجاد سینرژی در اطلاعات است وارد شوی
و بیشتر به آن پردازی.

(۱۳) دست آوردگرا بودن یعنی چه؟

دست آورد گرایی بدین معناست که نتیجه و اثر آن قابل
رویت و مشاهده باشد و بتوانیم در صورت لزوم و همچنین
در شرایط مشابه از راه حل ارائه شده باز هم بهره ببریم. (مثل
قرص یا آمپول).

در اینجا یک نتیجه جامع و کلی حاصل می شود و آن اینکه
لازمه فن آوری در هر یک از گرایش ها و علوم، دارا بودن
فن آوری خلاقیت است مثلی هست که می گوید "بی مایه
فطیره" اگر تمامی دانش بشری را در اختیار داشته باشی ولی
خلاقیت نداشته باشی، درخت بی بری و مرد ابتری. کفشی
بد قواره به ارث برده ای و بدنبال پا می گردی. تمام عمرت را
بدنبالش می گردی و صوفی وار فریاد بر می آوری که یافت
می نشود. این گشتن تو دور است و تسلسل. و رکابت بی
زنجیر. زور می زنی و انرژی مصرف می کنی اما بی فایده.
به کار و فعالیتت اما نه در راه. به جمعی اما نه حاضر. و اگر
تصور می کنی که بر خر مراد سواری، بگذار صریح وبی پرده
به تو بگویم که عزیز من به عکس نشسته ای!!! خودت خبر
نداری؟؟!! اما چه باید بکنی؟ تو باید خود را تشنه کنی آنقدر
که همه وجودت فقط غریزه ماندن شود باید خالی خالی شوی
آنقدر که هیچ چیزی برایت نماند. تا همه سلولهای وجودت جز
آب چیزی طلب نکنند.

آب کم جوی، تشنگی آور به دست

تا که جوشد آبت از بالا و پست «مولانا»

فن آوری خلاقیت و فرآیندهای آن در پی ایجاد این نطفه

راه رسیدن به آرامش ذهنی است.

بگذار تا خبر بدی را به تو بدهم و آن اینکه تنبلی خانه اول
ذهن توست. همانگونه که غفلت، همیشه مهمان خانه زاد
اندیشه توست. عارفان برای رفع این حالت همیشگی غالب
بر انسان، به حمایت از خویش بر می خیزند و خود را همیشه
هشیار می دارند. آنها بطور دائمی شناور در هستی می شوند،
و هر لحظه از این شراب الست می نوشند، تا همیشه مست
باشند.

ای دل مباش یکدم، خالی ز عشق و مستی

و آنکه برو که رستی از نیستی و هستی "حافظ"

دانایی اشان غفلتشان،- و مستی اشان هشیاریشان،- و
هشیارشان پویایی با هستی است.

تو برای بیرون کردن تنبلی ذهنت باید یک تلاش شبانه روزی
تا دم مرگ داشته باشی. که اگر این عمل را با تمام وجود
انجام دهی، معنی و مفهوم پویایی را در زندگی ات با تمام
سلولهای حس کرده ای و در آنجا مست بی باده ای. در غیر
این صورت:

مستی عشق نیست در سر تو

رو که تو مست آب انگوری "حافظ"

(۱۲) روش کار ایجاد یک ذهن خلاق، یا پیش درآمد ذهن
خلاق چیست؟

ترکیب دو روش فن آوری و خلاقیت یعنی فن آوری خلاقیت
است. فن آوری خلاقیت یعنی داشتن روشی نو در حل مسائل
به گونه ای که دست آورد گرا باشد.

امروزه هر لحظه که به رسانه های دسته جمعی وصل می
شوی، مطلبی از فن آوری به گوشت می رسد. مانند فن آوری
هوا و فضا، فن آوری اطلاعات، فن آوری هسته ای، فن آوری
پزشکی. اجازه بده تا فن آوری را برایت تعریف کنم:

تعریف فن آوری: فن آوری یعنی دست یافتن به روشی نو و
جدید در انجام امور. بعنوان مثال:

فن آوری اطلاعات: استفاده از اطلاعات به گونه ای که قبلاً
انجام نشده و روشی نو است.

پس برای برخورد با هر مسئله ابتدا باید دریچه ورود به مسئله
طراحی شود. بعنوان مثال اگر تو بخواهی انفجارات روی سطح



در مقاله قبل به شرح تفصیل - و اجمال از تفکر خلاق و عوامل تشکیل دهنده آن بیان و صحبت شد. دانستیم که تفکر خلاق بزرگترین و قوی ترین سردار ذهن است که اگر ذهن تو آنرا به هر جنگی بفرستد، پیروز برمی گردد. رستم داستان ذهن تو در همه جا پیروز است و موفق. شاهنامه ذهن تو دائماً در حال تولید این سردارهاست. از گیو گرفته تا گودرز، از جمشید گرفته تا سیاوش، مهم این است که به این مهارت متخصص شوی که در این صورت بنیاد مدنیتی عظیم و سترگ را می گذاری، که همیشه از باد و باران و دَد و دیو در امان خواهد بود. کافی است یکبار از این مهارت استفاده کنی تا به قدرت و عظمت و شکوهی که برای تو به ارمغان می آورد، ایمان بیاوری.

ج - کسب مهارت در به کارگیری خلاقیت در حیطه تخصصی و ...

همین که از دانشگاه فارغ التحصیل شدی احساس می کنی که بعد از خدا تو دانای مطلق. آنقدر به آنچه فرا گرفته ای زیورآلات می آویزانی که امر بر خودت مشتبه می شود. مدرکت را قاب خاتم می گیری و هر کس که تورا به نام و بی عنوان خطابت کند، با چشمانت سر جایش می نشانی. اکنون تو دیگر خودت نیستی. اکنون تمامی وجودت حمال عنوان و دانایی توست. یک واگن قطار شده ای که دائماً کتاب ها و جزوات و یادداشتهایت را جابجا می کنی. دقیقاً مثل آدمهایی که بیماری "همراه" گرفته اند و اگر لحظه ای تلفن همراهشان به همراهشان! نباشد. گویا تسبیح سررشته زندگی اشان گم شده است. نه دوست عزیز!؟ به بیراه رفته ای وزیر دیواری که پوسیده است، رحل اقامت گزیده ای. تو مثل غنچه ای که باید هر لحظه در معرض باد بهاری باشی تا هر لحظه باز و بازتر شوی تا عطر وجودت در کائنات منتشر شود. افسوس! و صد افسوس!! که این غنچه را از شاخه درخت قطع کرده ای و با یک روبان زیبا در داخل گلدان طلائی، داخل منزلت گذاشته ای و به او باد کولر را می ورزی. اما چه فایده، که اگر هر برگی از آن جدا شود، پاسی قبل از آن به خزان رفته است! تو از خودت یک روزنامه تاریخ گذشته ساخته ای که دیگران پولی برایش نمی دهند و اگر این کاغذ را به قیمت باطله بخرن

در وجود توست. یکی از بزرگترین رسالتهای من در زندگی و تعهدی که من انتخاب کرده ام، کاربردی کردن این پروسه ها در قالب بینش و تکنیک های عملی است. مجموعه تکنیکها که بصورت بسته های آموزشی آماده گردیده، جهت پرداخت و پرورش این گوهر وجودی من و تو می باشد "که از خدا جوییم توفیق ادب!".

جان کلام این تکنیکها در آموزش و پرورش فن آوری خلاقیت و فرآیندهای آن بین صورت است که در ابتدا باید ذهنی خلاق داشته باشی تا بتوانی اصولی را بیایی و بر اساس این اصول جدید، فنونی را طراحی کنی که حاصل اینکار اکتساب و بدست آوردن نوآوری در همه عرصه هاست. پس اگر چیدمانت درست نباشد تو به نوآوری که لازم - و شرط بقاء زندگی هر انسان در جوامع کنونی است، نمی رسی. آب، هوا، غذا برای زنده ماندن توست و نوآوری برای بقای توست. که در غیر این صورت و عدم تصمیم چنین استراتژی اساسی در زندگی، به اقتصاد بفروش و بخوری مایملک و دارایی خویش متوسل می شوی!!؟؟

(۱۴) چه گامهایی اولیه ای برای بدست آوردن فن آوری خلاقیت باید برداشت؟

بازی که در کودکی انجام می دادیم «واچین، بچین» دوباره باید انجام شود. اما اینبار برای:

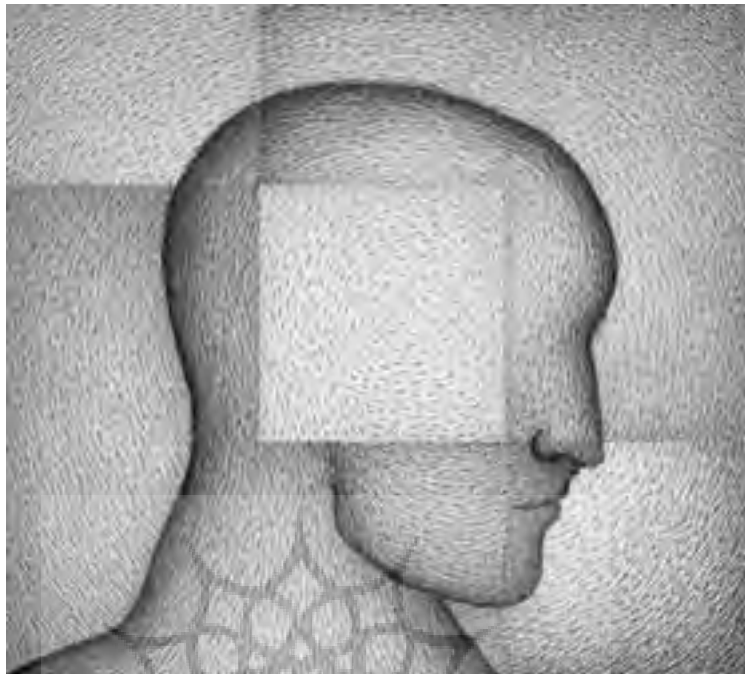
الف - کسب مهارت در درست اندیشیدن:

آیا برای یکبار شده و از خودت پرسیده ای، چگونه می اندیشی؟! آیا به نحوه اندیشیدنت شک کرده ای؟! اگر ایمان به نحوه اندیشیدنت داری، چرا در زندگی ات تغییرات بزرگی مشاهده نمی کنی؟! مگر نه اینست که در آموزه های ما یک لحظه تفکر مساوی با هزار سال عبادت است؟ پس آن چه چیزی است که به لحظه کیفیت می دهد؟ مگر فکر نیست؟ پس افکار من و تو که اثرات آنچنانی در زندگی امان نداشته، پس اشکال اصلی کار از کجاست؟! به تو حقیقت را می گویم و خواهشم این است تا آنرا تحملش کنی، این اشکال اساسی از نحوه فکر کردن ماست. خلاصه کنم و صریح اصل کلام را به تو بگویم تا شرحش را در جای دیگر که: "تا دیر نشده، من و تو باید فکری به حال فکرمان بکنیم!!؟؟"

ب - کسب مهارت در ایجاد تفکر خلاق:



وجودت لگدی به این فکر
بزن که سخت به آن احتیاج
داری. و از این لحظه به بعد
هر فرصتی در هر جایی به
تو دست می دهد این کار را
از خودت دریغ مدار که این
تنها و تنها نسخه توست که
کائنات برایت پیچیده است
وحقش را نیز داری و خدا را
هزاران بار شکر که هر چه
زودتر این دشمن خانه زاد را
شناختی! این دشمن خانه
زاد دست از تو بر نمی دارد
و در هر فرصتی منتظر است



، برای اینست که
شیشه های منزلشان
را پاک کنند. به فکر
جلا دادن به دیگران
نباش! بکوش تا دائم
در معرض طوفانهای
تغییر و تحوّلی که
از شروع کائنات بر
خاسته است باشی.
پس چون یک طلبه
باش که هرگز فارغ
التحصیل نمی شود
و هر پگاه قبل از
ناشتگاه، از او امتحان

تا به جایگاه قبلی خویش برگردد. به او همیشه بی محلی کن
و هر زمان که از نقطه ضعف تو استفاده کرد و این فکر دوباره
وارد خانه ذهنت گردید، باز دوباره لگد دیگری نوش جان
کن. اما این بار محکم تر.

مهارت حل مسئله و یادگیری آن، یادگیری الفبای خلاقیت
است. بدون دانستن این الفبا نمی توانی خلاقیت را یاد بگیری
و یا آنرا بکار بگیری. تمامی آرزوی من اینست که هر انسانی پا
به روی کُره زمین می گذارد، همزمان با ورود به اجتماع این
مهارت را مانند مهارت رانندگی یاد بگیرد. آرزوی پرتوقعی
نیست. اما، می دانم که آرزو بر جوانان عیب نیست!!!!؟؟

۱۵) محک و معیار ارزیابی «دارا بودن خلاقیت» در افراد
چیست؟

اثر زیبا شرط لازم خلاقیت است مانند نقاشی زیبا - داستان
زیبا ولی این همه، داستان خلاقیت نیست، افراد خلاق دارای
ویژگی هایی هستند.

پرورش خلاقیت شرط لازم ظهور خلاقیت تو است. اما تو طلبه
بی قراری. پس پویایی تو شدنی است جاری و دائمی و بدنبال
کسب شرط کافی خلاقیت. پس این چنین باش.

می دو ساله و محبوب چارده ساله

همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر "حافظ"

می گیرند، آنهم امتحانی سخت!! پویا باش و پر جنبش - و
بی قرار کسب یاد گیری.

د - کسب مهارت در حل مسأله:

چگونه مسئله را حل می کنی؟ نگرش تو به مسئله چیست؟ آیا
تصور یک زندگی بی مشکل را داری؟ و آیا امکان چنین زندگی
وجود دارد؟ همیشه مشکلت را پدر و یا مادر و یا برادر و یا
دوستت حل می کند؟ و یا به زمان فرصت حل آنرا می دهی؟
حل مشکل کجاست؟ آیا راه حل مشکل در دل مشکل است
و یا در بیرون مشکل؟ آیا هنگامی که یک چالش به زندگی
ات وارد می شود عذابی الیم را حس نمی کنی و به هزار رمز
و راز - و نذر و نیاز متوسل نمی شوی؟ و آیا این احساس را
نداری که جانت به لب می رسد تا این مشکل از زندگی ات
خارج کنی؟ و آیا تمامی آرزویت اینست که خداوند زندگی بی
مشکل و خاطری بی خیال و بی دغدغه به تو بدهد؟ اگر به
تمام سوالات فوق جواب مثبت داده ای و یا حداقل به یکی
از آنها جواب مثبت دادی. دوست عزیزم؛ بگذار صادقانه و با
تمام وجودم که دوست دارم به تو بگویم که تو قافله را سخت
باخته ای؟! چرا؟ چون تو در مشکل حل شده ای، نه مشکل
در تو. او حلال تو بوده است و تو محلول آن - نه تو حلال
مشکل و مشکل، محلول و خوراک فکر تو... پاشو و با تمام



۱۶) ویژگی های افراد خلاق چیست؟

شکی نیست که شما همه در حیطة تخصصی تان به احتمال قوی از خود خلاقیت‌های زیادی نشان داده اید اما انسانهای خلاق یک تعریف علمی دارند.

هر انسانی خلاق است و این در تعریف خلاقیت گنجانده شده. می گویی نه؟! همین لحظه در کنار خیابان شلوغ برو و به آدمهایی که از مقابل تو به این طرف خیابان می آیند نظری بینداز و با دقت رفتار آنها را مشاهده کن. به سرعت حرکت آنها، توقف ها و حرکات مارپیچی و حرکت نگاه های آن ها، نگاه کن. هیچ دو نفری نیستند که مشابه هم از یک طرف به طرف دیگر بیایند. اما ما بدنبال خلاقیت دیگری در بین این آدمها می گردیم.

۱۷) تعریف علمی انسانهای خلاق چیست؟

انسانی خلاق است که با روش خلاقیت هم زندگی می کند، نه اینکه فقط کار کند. یعنی هر فعلی که از انسان خلاق سر می زند، حتی ساعات تفریح - بودن با دوستان - ورزش - تربیت فرزندان، ارتباط با همسر و نحوه نشست و برخاستش، ورود و خروجش و..... همگی به روش نو و «مختص خود او» همانند اثرانگشتش انتخاب شده باشند.

بگذار بیادت بیاورم که خوب بیاد می آوری زمان کودکی ات را، هنگام حادثه ای در مدرسه و خیابان، هنگام مسافرت، در برقراری ارتباط با دوستی جدید و بازی فوتبال یا همه این لحظات را بارها و بارها تجربه کرده ای، اما یک بار را خوب به یاد داری و تمام اجزایش بر لوح ضمیرت نقش بسته است! چرا؟ چون به آن هنگام با روشی نو آن کار را انجام دادی. و آنجا همه خلاقیتی که بدنبالش می گردیم، بدست آوردی. همین تو. پس بکوش، چون باز هم می توانی آنرا بدست آوری، که جانان کلام من همین است. با تمام وجودم در این مسئله سوخته ام و بدان ایمان دارم که: مطمئن باش

که چنین خلاقیتی را پیدایش می کنی و هر که به تو بگوید یافت می نشود. به خدایش حواله اش کن!! که او از نیت همه کس آگاه است؟
نتیجه:

همه ما در زمان استفاده از یک روش جدید، لذت آنرا حس کرده ایم و در بسیاری از موارد هنگام یادآوری آن احساس غروری عجیب می کنیم و انبساط خاطر تمام وجود ما را پر می کند. چرا؟ چونکه آن راه حل در آن زمان توسط ذهن «من» طراحی و اجرا شده و دست آورد خوبی داشته است.

همه این مقاله یک مقدمه بود. این مقدمه در مکانی که بلندترین بام جهان است گفته شد و آنجا مکانی است که سخن از دل بر می آید که لاجرم بر دل نشیند. باید می گفتم و آن هم با فریادی بلند که: مهم نیست تو در حال حاضر به چه میزان از این توانایی برخورداری، مهم این است که این توانایی را داری و می توانی آنرا رشد و پرورش دهی و هر چند باردیگر آن خاطره را تجدید کنی.

خوشبختانه علم خلاقیت به نقطه مطلوبی رسیده است. دانشمندان و محققان این گرایش علمی - روشهایی را به افراد پیشنهاد می کنند که به کارگیری آنها در ایجاد و تثبیت خلاقیت در ذهن بسیار موثر است.

آن چیزی که خداوند به تو داده است یک هدیه است، و آن چیزی که تو به خداوند خواهی داد یک هدیه است

پس: بی نظیر باش. «جبران خلیل جبران» یکی از شرایط لازم بی نظیر بودن، خلاق بودن است و خلاق بودن مانند یک ماهی است که نقش آب در حیات آن، مانند «شادی» در زندگی ماست.

بخلق و لطف توان کرد صید اهل نظر

به بند و دانه نگیرند مرغ دانا را "حافظ"

Email : Haas _ ۸۴ @ yahoo . com

* لازم به تذکر است، این مقاله به درخواست نویسنده (آقای مهندس حاتمی) برخلاف شماره های پیشین، ویرایش نشده است؛ لذا مقاله به همان شکل ارسالی ایشان درج گردید.